

				مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه	
				معاونت آموزش	
				امتحانات کتبی	
بسمه تعالی					
امتحانات ارتقایی و تجدیدی – مرداد ۱۳۹۶					
موضوع:		اصول ۱ بخش ۲			
پایه:		۸			
تاریخ:		۹۶/۰۵/۱۵			
ساعت:		۱۶			
پاسخنامه مدارس شهرستان					

نام کتاب: فرائد الاصول، از ابتدای المقام الثانی فی الشبهة الغیر الممضوّه تا ابتدای اما القول فی المبیّز

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

تستی

۱. به عقیده مصنف، کدام گزینه ضابط شبهه غیر محصوره است؟  
 أ. الوقایع الكثيرة التي لا يعتنى العقل بالعلم الإجمالی فیها ■  
 ب. ما یعسر عدّه فی زمان قصیر □  
 ج. ما كان الاجتناب عنه صعباً □  
 د. ما یعسر الاجتناب عن أطرافه □
۲. إذا كان الشكّ فی الجزئیة ناشئاً من إجمال الدلیل فالأقوی جریان .....  
 أ. أصالة البراءة عن الجزئیة مطلقاً ■  
 ب. الاحتیاط مطلقاً □  
 ج. الاحتیاط إذا قلنا بوضع ألفاظ العبادات للصحيح □  
 د. البراءة إذا قلنا بوضع ألفاظ العبادات للصحيح □
۳. الظاهر أنّه إذا دار الأمر بین الأقلّ و الأكثر فأصالة عدم الوجوب النفسی المستقل فی الأكثر .....  
 أ. جارية بلا معارض □  
 ب. معارضة بأصالة عدم وجوب الأقلّ ■  
 ج. غیر جارية لعدم ثبوت الحالة السابقة □  
 د. جارية و یثبت كون المأموریه هو الأقلّ □
۴. وجوب إتيان الصلاة بجهات الأربع من باب المقدّمیة ..... أوامر الإطاعة.  
 أ. ارشادی نظیر ■  
 ب. ارشادی بخلاف □  
 ج. مولوی نظیر □  
 د. مولوی بخلاف □

تشریحی

\* إنَّ إيجاب العمل بالأصل لثبوت حكم آخر إن كان بإثبات الأصل المعمول به لموضوع أنيط به حكم شرعی كأن یثبت بالأصل براءة ذمّة الشخص الواحد لمقدار من المال وافٍ بالحجّ من الدين، فیصير بضمیمة أصالة البراءة مستطیعاً فیجب علیه الحجّ؛ فإنّ الدين مانع عن الاستطاعة، فیدفع بالأصل، و یحكم بوجوب الحجّ بذلك المال، فلا مانع عن جریان الأصل. ۵۰-۴۴۹

۱. در مثال مذکور، چگونه اصل برائت موضوع حکم شرعی را اثبات کرده است؟ توضیح دهید.

کسی مقداری مال دارد که به اندازه هزینه سفر است و از طرفی شک دارد دینی بر ذمه دارد یا نه؛ اصل برائت نسبت به اشتغال ذمه به دین را جاری می کند و حج بر او واجب می شود. با اجرای اصل مزبور، موضوع وجوب حج (استطاعت) محقق می شود.

\* إنَّ عدم الشیء فی جمیع آتات الصلاة قد یكون بنفسه من جملة الشروط فإذا وجد آنأماً فقد انتفى الشرط علی وجه لا یمكن تداركه فلا یتحقّق المركّب من هذه الجهة، و قد یكون اعتباره من حیث كون وجوده قاطعاً و رافعاً للهیئة الاتّصالیة فی نظر الشارع بین الأجزاء. ۳۷۵

۲. فرق بین مانع و قاطع را همراه با مثال توضیح دهید.

در مانع، عدم شیء به خودی خود شرط است به طوری که اگر یک آن، شیء محقق شود شرط منتفی خواهد شد [مثلاً عدم حدث در تمام آتات نماز شرط است به طوری که اگر در یک آن از نماز حاصل شود شرط (یعنی عدم حدث) منتفی می شود] ولی در قاطع، اعتبار عدم شیء به این دلیل است که وجودش هیأت اتصالیة نماز را منتفی می کند، مثل خنده که قاطع صلات است؛ یعنی وجودش هیأت اتصالی نماز را منتفی می کند.

\* لو شكّ فی اعتبار نیّة الوجه فی العمل كان مقتضى الأصل هو الاحتیاط حتّى علی المختار من إجراء البراءة فی الشكّ فی الشرطیة؛ لأنّ هذا الشرط لیس علی حدّ سائر الشروط المأخوذة فی المأمور به الواقعة فی حیّز الأمر حتّى إذا شكّ فی تعلّق الإلزام به من الشارع حكم العقل و النقل بكونه مرفوعاً، بل هو

على تقدير اعتباره شرط لتحقيق الإطاعة و سقوط المأمور به و خروج المكلف عن العهدة و من المعلوم أنه مع الشك في ذلك لابد من الاحتياط و إتيان المأمور به على وجه يقطع معه بالخروج عن العهدة. ٨-٤٠٧

٣. چرا مقتضای اصل در شک در اعتبار «نیة الوجه» احتیاط است؟

نیة الوجه از تقسیمات ثانویه واجب است نه از تقسیمات اولیه آن؛ یعنی بعد از تعلق امر، این سؤال پیش می آید که آیا با قصد قربت انجام شود؟ و در چنین مواردی براءت جاری نمی شود؛ چون از مصادیق شک در تحقق اطاعت می شود که مجرای احتیاط است چرا که اشتغال یقینی به اطاعت داریم و چنین اشتغالی براءت یقینی می طلبد که به احتیاط حاصل می شود.

\* إذا فرضنا العصور العنبي الذي تناوله الجاهل حراماً في الواقع و فرض وجود خبر معتبر يعثر عليه بعد الفحص على الحلبة فهل العبرة في باب المؤاخذه و العدم في الجاهل العامل بالبراءة قبل الفحص، بموافقة الواقع الذي يعتبر مطابقة العمل له و مخالفته أو العبرة بالطريق الشرعي المعثور عليه بعد الفحص؟ وجوه: من أن التكليف الأولي إنما هو بالواقع، و ليس التكليف بالطرق الظاهرية إلّا على من عثر عليها، و من أن الواقع إذا كان في علم الله سبحانه غير ممكن الوصول إليه و كان هنا طريق مجعول مؤداه بدلاً عنه فالمكلف به هو مؤدّى الطريق دون الواقع على ما هو عليه. ٤٣٣

٤. عبارت «من أن التكليف ...» و «من أن الواقع ...» دلیل بر چیست؟ توضیح دهید.

عبارت اول، تعلیل برای احتمال اول است؛ یعنی ملاک در مؤاخذه، مخالفت واقع است؛ چون تکلیف به طرق ظاهری مخصوص کسانی است که بر آنها آگاه شوند و در مورد غیر آنها، ملاک همان واقع است.

عبارت دوم، تعلیل برای احتمال دوم است یعنی ملاک در مؤاخذه و عدم مؤاخذه، مخالفت و موافقت طریق است؛ چون در مورد کسی که امکان دسترسی به واقع ندارد وظیفه فعلی، عمل به طرق ظاهری است و بر اساس آن عملشان سنجیده می شود.

\* إذا أمر بمفهوم مبين مردّد مصداقه بين الأقلّ و الأكثر مثل ما إذا أمر بالطهور لأجل الصلاة، أعني الفعل الراجع للحدث أو المبيح للصلاة، فشك من جهة الشبهة في الموضوع الخارجي في جزئية شيء للوضوء أو الغسل الراجعين فاللازم الاحتياط؛ لأن المفروض تنجز التكليف بمفهوم مبين معلوم تفصيلاً، و إنما الشك في تحققه بالأقلّ، فمقتضى أصالة عدم تحققه و بقاء الاشتغال عدم الاكتفاء به و لزوم الإتيان بالأكثر. ٣٥٢

٥. وجه احتیاط در مثال مذکور را با دلیل توضیح دهید.

مورد از موارد شک در محصل است که مجرای احتیاط می باشد؛ یعنی متعلق تکلیف (الفعل الراجع للحدث) مفهوم مبینی است و نمی دانیم که این مفهوم بدون جزء مشکوک (مثل استعاده بر فرض شک در وجوب آن) حاصل می شود یا نه، و چون ما موظف به ایجاد آن مفهوم مبین هستیم چاره ای از احتیاط نیست.

\* الظاهر أن وجوب كل من المحتملات في الشبهة المحصورة عقلي لا شرعي؛ لأن الحاكم بوجوبه ليس إلّا العقل من باب وجوب دفع العقاب المحتمل على تقدير ترك أحد المحتملين، و عليه فلو ترك المصلّي المتحرّر في القبلة جميع المحتملات لم يستحقّ إلّا عقاباً واحداً. ٣٠٥-٦

٦. أ. فرق وجوب عقلي و شرعي در عبارت را بنویسید. ب. عبارت «فلو ترك المصلّي المتحرّر ...» نتیجه چیست؟ توضیح دهید.

أ. وجوب عقلي یعنی از باب مقدمه علمی، عقل به احتیاط حکم می کند و این حکم عقل، ارشادی است؛ ولی وجوب شرعی، یعنی امر مولوی دارد به طوری که ترک هر طرفی، هرچند منجر به ترک حرام نباشد، استحقاق عقاب می آورد.  
ب. فلو ...: تفريع بر عقلي بودن وجوب است که لازم ترک اطراف، استحقاق یک عقاب است نه بیشتر.

\* تمسك لوجوب الاحتياط في مسألة دوران الأمر بين الأقلّ و الأكثر بوجوب المقدمة العلمية للواجب. و فيه: أن وجوب المقدمة فرع وجوب ذي المقدمة، و هو الأمر المتردد بين الأقلّ و الأكثر، و واضح أن وجوب المعلوم إجمالاً مع كون أحد طرفيه متيقن الإلزام من الشارع و لو بالإلزام المقدمي غير مؤثر في وجوب الاحتياط؛ لكون الطرف الغير المتيقن مورداً لقاعدة البراءة. ٣٢٧

۷. دلیل وجوب احتیاط در دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی و نقد آن را توضیح دهید.

دلیل: از باب دفع ضرر محتمل چاره‌ای از انجام اکثر نیست (پس دفع ضرر محتمل، مقدمه و وجوب اکثر، ذی‌المقدمه است)؛ چون تنها در این صورت، علم به دفع ضرر ترک واجب پیدا می‌شود. نقد: وجوب مقدمه، فرع وجوب ذی‌المقدمه است و ذی‌المقدمه در ما نحن فيه، امر مردد بین اقل و اکثر است و ضرر محتملی در مورد آن وجود ندارد تا از باب مقدمه، اتیان اکثر واجب باشد و این به دلیل انحلالی است که در اقل و اکثر وجود دارد و منجر به علم تفصیلی نسبت به وجود اقل و شک بدوی نسبت به وجوب اکثر می‌شود و مجرای براءت است.

\* العلم الاجمالي كالتفصيلي علة تامّة لتجنّز التكليف بالمعلوم إلّا أنّ المعلوم إجمالاً يصلح لأنّ يجعل أحد احتمليه بدلاً عنه في الظاهر، فكلّ مورد حكم الشارع بكفاية أحد المحتملين للواقع - إمّا تعييناً كحكمه بالأخذ بالاحتمال المطابق للحالة السابقة و إمّا تخييراً كما في موارد التخيير بين الاحتمالين - فهو من باب الاكتفاء عن الواقع بذلك المحتمل، لا الترخيص لترک الواقع بلا بدل في الجملة. ۲۸۲

۸. أ. با توجه به عبارت، تفاوت علم اجمالی و علم تفصیلی را بنویسید. ب. دو مثال در عبارت «كحكمه بالأخذ...» و «كما في موارد التخيير بين الاحتمالين» را بر بحث تطبیق کنید.

أ. در علم اجمالی، جعل بدل امکان دارد؛ یعنی شارع می‌تواند یکی از دو محتمل را بدل از حرام واقعی قرار داده و ارتکاب محتمل دیگر را مباح کند و چنین چیزی در علم تفصیلی ممکن نیست. ب. كحكمه...: مثال برای جعل بدل به نحو تعیینی است یعنی شارع بگوید: آن احتمالی را که مطابق با استصحاب است اخذ کن. كما...: مثال برای جعل بدل به نحو تخییری است؛ مثل اینکه یکی از دو ظرف نجس باشد و شارع، اذن دهد یکی (هر کدام که بود) بدل از واقع قرار داده شود و دیگری ارتکاب شود.

\* أستاذ على عدم وجوب الاحتياط في الشبهة غير المحصورة بالأخبار الدالة على حليّة كلّ ما لم يعلم حرمة؛ فإنّها بظاهرها و إن عمّت الشبهة المحصورة إلّا أنّ مقتضى الجمع بينها و بين ما دلّ على وجوب الاجتناب بقول مطلق، هو حمل أخبار الرخصة على غير المحصورة و حمل أخبار المنع على المحصور و فيه: أنّ المستند في وجوب الاجتناب في المحصور هو اقتضاء دليل نفس الحرام المشتبه لذلك بضميمة حكم العقل. ۲۶۰-۱

۹. أ. ربط عبارت «إلّا أنّ مقتضى... على المحصور» به قبل را توضیح دهید. ب. اشکال مصنف به استدلال مذکور را بنویسید.

أ. استدراک از مطلب قبل است؛ چون در ابتدا گفت: ظاهر اخبار براءت، شبهه محصوره را نیز شامل می‌شود منتهی مقتضای جمع بین این اخبار و اخباری که به طور مطلق اجتناب را واجب می‌کند این است که اخبار براءت بر شبهه غیر محصور و اخبار احتیاط بر شبهه محصور حمل شود، پس اطلاق اخبار احتیاط، مانع از اجرای براءت در شبهه غیر محصور نمی‌شود. ب. دلیل وجوب اجتناب، اخبار احتیاط نیست تا نیاز به توجیه مذکور باشد، بلکه دلیل، نفس حرام (مثل اجتناب عن الخمر) به کمک مقدمه علمی مقتضی احتیاط است.